

حاکمان مدینه ← امرای مدینه

حاکمان مکه ← امرای مکه

حالات حرمین: سفرنامه حج فارسی از

رفیع‌الدین مرادآبادی، عالم اهل سنت هندی

این اثر، گزارش سفر حج نویسنده از مرادآباد، واقع در ایالت اوتار پرادش هندوستان، در سال ۱۲۰۱ق. است که اطلاعاتی از راه حج بخشی از مسلمانان هندوستان و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی حرمین و مناطق میان راه به دست داده است. ویژگی این سفرنامه، گزارش مشاهدات و ملاحظات مردم‌شناختی نویسنده و توجه او به عادات، آداب و رسوم و خلیقات مردمان مکه و مدینه و مناطق میان راه است.

رفیع‌الدین مرادآبادی، عالم دینی اهل سنت، فرزند فریدالدین خان و از نوادگان نواب عظمت‌الله خان، حاکم مرادآباد، به سال ۱۱۳۴ق. در این شهر به دنیا آمد. او از شاگردان شاه ولی‌الله دهلوی است. از او آثاری در حدیث، سیره و شرح حال‌نگاری بر جای مانده است. (ص ۶-۷) رفیع‌الدین به سال ۱۲۱۸^۱ یا ۱۲۲۳ق. در زادگاهش درگذشت و همان‌جا

۱. فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۱، ص ۷۵.

به خاک سپرده شد. (ص ۱۶۵)

سفر نویسنده، هشتم محرم ۱۲۰۱ق. از مرادآباد آغاز شده و در ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۰۳ق.، دو سال و دو ماه و دو هفته بعد، پایان یافته است. سبب طولانی شدن سفر، مشکلات سفر دریایی، توقف در بنادر و شهرهای میان راه و اقامت چند ماهه در حرمین بوده است. مرادآبادی در بندر سورت، واقع در ایالت گجرات، سوار کشتی بادبانی شده و از طریق اقیانوس هند و دریای عرب به یمن رسیده است. در برخی بنادر و جزایر یمن، از جمله مخا (ص ۵۰)، حدیده (ص ۵۳) و جزیره کمران (ص ۵۴)، توقف داشته است. به سبب نوزیدن باد موافق، روزهای متمادی کشتی از حرکت بازایستاده و مرادآبادی و همراهانش سرانجام در بندر قنغذه (واقع در یمن کنونی) پس از دو هفته توقف، تصمیم گرفته‌اند بقیه راه را از طریق خشکی و با شتر ادامه دهند. (ص ۶۰-۶۱) نویسنده پنج روز بعد، دهم شوال، به قریه ابراهیم و دو روز بعد به سعیدیه رسیده که یلملم، میقات اهل یمن، در آن واقع است (ص ۶۲-۶۳) و چهاردهم شوال ۱۲۰۱ق. به مکه (ص ۶۴) رسیده و پس از ادای مناسک حج، چند ماه در آن‌جا مانده و در ششم ربیع‌الاول ۱۲۰۲ق. به مدینه رسیده است (ص ۱۰۴) و باری دیگر به مکه رفته و از جده سوار بر کشتی

شده به هندوستان بازگشته است.

سفرنامه به صورت روزشمار نوشته نشده و تنها برای برخی وقایع مهم سفر، تاریخ ذکر شده است. قرائنی مانند معرفی شریف سرور بن ساعد (م. ۱۲۰۱ق.) به عنوان حاکم حجاز، در مبحث مکه و سپس نقل خبر وفات او در مبحث مدینه، نشان می‌دهد که سفرنامه در حین سفر نگاشته شده است.

مرادآبادی درباره اماکن و آثار و بقاع تاریخی و مذهبی حجاز چندان سخن نگفته و توجه او بیشتر متمرکز بر احوال معنوی خویش (برای نمونه: ص ۷۲-۷۳ و ۱۹۸)، وقایع و سختی‌های سفر، از جمله مشکلات سفر با کشتی (برای نمونه: ص ۴۳-۴۵)، معرفی علما و بزرگان دینی مکه (ص ۸۳-۹۱) و مدینه (ص ۱۲۲-۱۳۰) و شهرهای میان راه (ص ۳۳-۳۴، ۵۰-۵۱) و معرفی مذهب (برای نمونه ص ۵۰) و شرح خلق و خوی‌ها و رسوم و عادات اجتماعی و مذهبی (برای نمونه: ص ۵۱، ۹۲ و ۱۱۴) مردم بوده است. او در گزارش‌هایش از زیارت اماکن دینی یا مزار بزرگان مذهبی، بیشتر به وجوه معنوی توجه دارد و به فضیلت زیارت یک مکان یا مزار مذهبی و به معرفی شخصی که احیاناً در زیارتگاه دفن شده است و مانند آن می‌پردازد

و کمتر به وجوه مادی، مانند شکل بنا و تاریخ آن، توجه دارد. (برای نمونه: ص ۳۵ و ۵۰) بخشی از گزارش‌های او نیز شرح دیدارها و گفت‌وگوهای علمی با علمای مذاهب اسلامی است که غالباً همراه مسئله‌ها و نکته‌های فقهی یا کلامی است (برای نمونه ص ۸۸-۹۰)؛ مانند این که آیا بنا بر مذاهب اهل سنت، نماز گزاردن با دست باز جایز است یا نه. (ص ۱۳۴) او گاه بر برخی رسوم مذهبی و احکام فقهی رایج نقدهایی نیز ایراد کرده است؛ مانند رسم برگزاری چهار جماعت در مسجدالحرام و وجوب اقتدا به امام یک مذهب خاص که آن را بدعت دانسته است. (ص ۶۷)

مرادآبادی، در مدت اقامتش در حرمین، از برخی علمای عامه، اجازه روایت کتاب گرفته است. (ص ۱۲۳) ایام حضور مرادآبادی در حرمین، با وفات شریف سرور بن مساعد (حک: ۱۱۸۶-۱۲۰۱ق.) حاکم حجاز همراه بوده، و خبر وفات او در مدینه به نویسنده رسیده، و مرگ شریف را در ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۰۲ق. ثبت کرده است. (ص ۱۱۶) اما منابع، تاریخ ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۰۳ق. را ذکر کرده‌اند.^۱ او پیش از آن که به مدینه برود، در مکه،

۱. نک: تاریخ امراء المدينة المنوره، ص ۳۹۱-۳۹۲.

(ص ۹۳) مردمان مکه پیکر متوفای خود را از باب تبرک و طلب شفاعت برای او دور کعبه طواف می‌داده و همان جا بر او نماز می‌گزارده‌اند. (ص ۹۳) مردم مدینه نیز متوفا را به مسجدالنبی می‌برده و در آن جا بر او نماز می‌گزارده‌اند. (ص ۱۱۴) از رسوم مردم مدینه پناه بردن به مرقد پیامبر ﷺ هنگام نزول بلا یا رویدادی ناخوشایند، بوده. آنان با تشریفات خاص قرآنی که آن را «مصحف عثمانی» می‌خوانده‌اند، بر می‌داشته و به پیامبر ﷺ متوسل می‌شده‌اند. (ص ۱۱۴-۱۱۵) نویسنده از وجود اختلاف میان علما در این باره خبر داده است که آیا تبرک و طلب شفاعت برای مردگان، ویژه دو مسجد است یا هر مسجدی دارای این خصوصیت است. (ص ۹۳)

مرادآبادی توضیحاتی نیز درباره ائمه و خطبای جمعه حرمین ارائه کرده است. خطبای مناسبت‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی را در خطابه خویش رعایت می‌کرده و هنگام خطابه، استفاده از یادداشت را عیب می‌دانسته‌اند و از حفظ، سخن می‌گفته‌اند. مرادآبادی تصریح کرده است که مردمان غیر عرب، به سبب ناآشنایی با زبان عربی، چیزی از خطبه نمی‌فهمیده‌اند؛ اما با دل به او گوش می‌سپرده‌اند و از خطابه لذت می‌برده‌اند؛ زیرا خطیبان غالباً وجیه و خوش صدا بوده‌اند. (ص ۱۱۰-۱۱۱)

شریف را هنگام زیارت کعبه دیده و دو صفحه درباره جنگ‌های شریف با عمویش، شریف احمد بن سعید بر سر حکومت و پیروزی نهایی شریف سرور نوشته است.^۱ از خدمات شریف، برقراری امنیت در حرمین و راه‌های حجاز و ارتقای سطح رفاه عمومی و آسایش حج‌گزاران و زائران بوده است. (ص ۸۱-۸۲) نویسنده، بدین مناسبت، نکته‌هایی درباره اشراف مدینه که از سادات حسینی بوده‌اند، طرح کرده است. (ص ۱۱۷) او مذهب غالب شرفا را حنفی دانسته و انتساب آنان به مذهب زیدی را نفی کرده است. (ص ۸۰) در منابع تاریخی، از مذهب شرفای حسینی حجاز در دوره‌های تاریخی سخن رفته است. (← اشراف حسینی)

از مطالب ویژه سفرنامه، شرح آداب و اخلاق و رسوم اجتماعی و مذهبی مردم مکه و مدینه است. مرادآبادی، از رفتار مردمان حجاز با حج‌گزاران اظهار رضایت کرده است. (ص ۹۲) او از وجود سه خط بر گونه اهل مکه سخن گفته و شرح داده است که مردم مکه، با تیغ، سه خط بر گونه نوزاد خود می‌نهند، که جای آن تا آخر عمر باقی است، و بدین وسیله او را از موالید شهرهای دیگر متمایز می‌سازند.

۱. نک: تاریخ امراء المدينة المنوره، ص ۳۹۱-۳۹۲.

در مسجدالنبی جلساتی برای حفظ قرآن برپا می‌شده که شرکت کنندگان آن، کودکان بوده‌اند. (ص ۱۲۰) جز این، مجالس دیگری نیز در وعظ و اخلاق و تدریس تفسیر، حدیث و فقه برقرار می‌شده که هر یک، طالبان خاص خود را داشته است. (ص ۱۲۰-۱۲۱) به گفته مرادآبادی، هر چند در مسجدالحرام نیز محافلی مشابه وجود داشته، اما به لحاظ جمعیت و اشتیاق مخاطبان، به مسجدالنبی نمی‌رسیده است. (ص ۱۲۲)

بخشی از مطالب سفرنامه نیز به ارائه اطلاعاتی از چگونگی سفر حج گزاران ملل مختلف مسلمان و عادات و رسوم آنان و جز آن، اختصاص یافته است. به گفته نویسنده، از میان حج گزاران، کمتر کسی است که زیارت مدینه را با حج همراه نکند. حج گزاران تُرک (عثمانی)، غالباً پس از ادای فریضه حج، جز زاد و توشه سفر، همه دارایی همراه خود را به فقرا می‌بخشیدند. (ص ۹۴) حج گزاران ممالک آفریقایی، مانند سودان، بسیار پرشمار، اما تنگدست بوده‌اند و هنگام قربانی در منا، گوشت قربانی حج را در آفتاب خشک می‌کرده و با خود می‌بردند. (ص ۹۵) بنا به گفته مرادآبادی، حج گزاران و زائران هندی غالباً بدون زاد و توشه رهسپار حج می‌شوند و بر کمک و دستگیری مردمان میان راه

متکی‌اند. برخی از این گروه در میان راه از گرسنگی تلف می‌شوند و آنان که از سفر حج به سلامت به هند باز می‌گردند، در وصف سختی و مشقت سفر حج، چنان مبالغه می‌کنند که دیگران به هراس می‌افتند و بدین رو، وقتی کسی قصد حج می‌کند، خاندان او همچون روز وفاتش بر او می‌گریند و می‌کوشند او را منصرف کنند. (ص ۹۶)

از این سفرنامه چند نسخه در کتابخانه‌ها، از جمله در کتابخانه اسعد افندی استانبول و کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن، نگهداری می‌شود؛ اما چاپ منقحی از آن در دست نیست. ترجمه عربی کتاب، به عنوان الرحلة الهندية الى الجزيرة العربية، به قلم سمیر عبدالحمید ابراهیم، در ۱۵۹ صفحه جیبی در المجلس الاعلی للثقافة قاهره سال ۱۳۸۳ ش. / ۲۰۰۴ م. چاپ شده که مبنای مقاله حاضر بوده است.

◀ منابع

تاریخ امراء مكة المكرمة من ۸-۱۳۴۴ ه: عارف احمد عبدالغنی، دمشق، دار کنان، ۱۴۱۷ ق؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی: احمد منزوی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش.

ابراهیم احمدیان؛ سمیر عبدالحمید ابراهیم



۱. فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۱، ص ۷۵.